

مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی

سپس یورش سازمان یافته عوامل ارتجاع یعنی عناصر وابسته به خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار به جلسه هیات موسس احیای سندیکاهای کارگری شرکت واحد اتوبوس رانی و پیامدهای این اقدام و بازتاب آن در سطح جامعه مجموعه روندهای پر قدرت و ریشه دار موجود در جنبش سندیکایی کارگران را از عمق به سطح کشانید و ژرفای مسایل در این عرصه را به نحوی بارز هویدا ساخت. اقدام ها و گام های مثبت هیات موسسان سندیکاهای کارگری ایران در سال

مبارزه پر شور و در عین حال دشوار زحمتکشان شرکت واحد اتوبوس رانی برای تشکیل سندیکای مستقل خود که با مقابله و یورش ارتجاع روبر شد، بخشی از پیکار سراسری کارگران و زحمتکشان میهن ما در راه احیای حقوق سندیکایی و باز سازی و ایجاد سندیکاهای واقعی کارگری است که باید با همه توان و امکانات از آن پشتیبانی کرد!

رشته حوادث چند هفته اخیر، به ویژه رخ داد اول ماه امسال در سالن ۱۲ هزار نفری مجموعه ورزشی آزادی و

ادامه در صفحات ۴ و ۵

رد صلاحیت نامزدهای انتخاباتی توسط شورای ارتجاعی نگهبان و آخرین مواضع نیروهای سیاسی - اجتماعی در صفحه ۳

در آمدهای نفتی را چه کسانی تصاحب می کنند

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، بحث پیرامون بحران ژرف اقتصادی که دامنگیر جامعه ماست، در سطحی گسترده جریان دارد، به ویژه اینکه افزایش قیمت نفت در بازار جهانی و سهمی که از این افزایش به ایران رسیده است. در آمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز بخش اصلی و عمده در آمدهای ارزی میهن ما را تشکیل داده و می دهد، بودجه کشور و منبع اصلی ثروت، نتیجه

ادامه در صفحه ۲

در این شماره

سمینار بین المللی کمونیست ها در بروکسل

در ص ۷

تجارت جهانی غیر عادلانه و نابودی

اقتصاد و صنعت کشورهای فقیر در ص ۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

با گسترش مبارزه متحد و منسجم اجتماعی تلاش های رژیم بی صلاحیت ولایت فقیه را برای برگزاری یک انتخابات فرمایشی و سپس سرکوب کامل جنبش اصلاح طلبی با شکست روبه رو کنیم!

که چنین نمایشی نمی تواند روندی قابل قبول برای مردم ما و نیروهای سیاسی معتقد به آزادی در کشور ما باشد» (به نقل از «نامه مردم»، شماره ۷۰۳، ۱۵ دی ماه ۱۳۸۳).

از مدتها پیش روشن بود که سران حاکمیت با توجه به ادامه بحران داخلی و تشدید فشارهای خارجی مترصدند تا با تکرار نمایش انتخاباتی هفتمین دوره مجلس، که نتیجه اش برگماری مشتی مأمور به عنوان «نماینده مردم» بود، اهرم قوه اجرایی را نیز قبضه کرده و با پاکسازی اصلاح طلبان حکومتی و سپس تشدید هر چه بیشتر سرکوب و اختناق در درون جامعه، زمینه را برای آرام کردن اوضاع، خاتمه دادن به «غائله اصلاحات» و ایجاد شرایط برای تثبیت رژیم فراهم آورند.

بی شک همان طور که سابقه عملکرد شورای نگهبان نشان داده است اقدامات این شورای برگمارده شده از سوی ولی فقیه نمی تواند اتفاقی و بدون نظر و موافقت رهبران حکومت صورت گرفته باشد. مزدوران جمع

ادامه در صفحه ۶

هم میهنان آگاه و مبارز! همان طور که مطلع اید روز یکشنبه، اول خرداد ماه، همچنان که پیش بینی می شد، شورای نگهبان رژیم استبدادی با انتشار بیانیه یی رد صلاحیت نامزدهای دگراندیش انتخابات ریاست جمهوری را اعلام کرد. در میان رد صلاحیت شدگان، خصوصاً، اسامی دکتر معین، دکتر ابراهیم یزدی و خانم اعظم طالقانی جلب نظر می کند. حرکت تاریک اندیشان شورای نگهبان برای کسانی که از نزدیک با عملکرد سران رژیم آشنا نیستند تعجب برانگیز نبود.

حزب ما با پیش بینی چنین وضعی قبلاً هشدار داده بود که: «و اما نکته اساسی این است که با توجه به تدارکاتی که ارتجاعیون حاکم برای برگزاری «انتخابات» آینده دیده اند به نظر می رسد که روند انتخابات مجلس هفتم با تفاوت های ناچیزی تکرار خواهد شد و در انتها این شورای نگهبان ارتجاع خواهد بود که با حذف نامزدهای انتخاباتی «مزاخم» شرایط را برای روی کار آمدن «سردار سازندگی» و یا دیگر کارگزاران ارتجاع فراهم می کند. بدیهی است



شماره ۷۱۳، دوره هشتم
سال بیستم، ۳ خرداد ماه ۱۳۸۴

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه درآمدهای نفتی...

صادرات و عملکرد صنعت نفت کشور است و بدون آن درآمدهای ارزی در سطحی فوق العاده نازل قرار می گیرد. چندی پیش، شرکت نفت ملی ایران در گزارشی اعلام کرد: «تولید نفت خام ایران در بیشتر ماه های سال ۸۳ از مرز ۴ میلیون بشکه در روز گذشت که این سقف تولید برای نخستین بار در ۲۵ سال اخیر به دست آمده است.» در همین گزارش اشاره می شود: «سهم میدان های دریایی از سقف تولید نفت خام ایران در سال گذشته ۱۶/۸ درصد و سهم میدان های خشکی ۸۳/۲ درصد اعلام شده است. همچنین تولید روزانه گاز غنی در سال گذشته به ۳۵۸ میلیون متر مکعب رسید که نسبت به سال ۸۲ معادل ۱/۹ درصد افزایش داشته است تولید روزانه مایعات و میعانات گازی نیز در سال گذشته معادل ۱۷/۲ درصد نسبت به سال ۸۲ افزایش داشت و به حدود ۳۱۱ هزار بشکه رسید.» در پایان همین گزارش تاکید می شود: «بر اساس برنامه ریزی تولید نفت خام امسال قرار است ۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون بشکه نفت خام از ذخایر نفتی کشور تولید شود که بر اساس میانگین تولید در ۳۶۵ روز کاری، روزانه ۳ میلیون و ۸۳۵ هزار و ۶۱۶ بشکه از میدان های نفتی کشور استخراج خواهد شد...» اگر این حجم عظیم تولید و صادرات را با بهای نفت در بازارهای جهانی مقایسه کنیم، حاصل آن میلیارد ها دلار در آمد است که وارد کشور می شود. اما آیا این رقم هنگفت آنچنانکه باید صرف آبادانی و پیشرفت و رفاه کشور و مردم می گردد؟

پاسخ به این پرسش منفی است. در اوایل سال گذشته رییس شورای عالی حسابداران ایران طی مصاحبه ای با خبرگزاری فارس یادآور شده بود: «رشد اقتصادی ایران عمدتاً وابسته به افزایش درآمدهای نفتی بوده و به همین دلیل کشور به رشد پایداری در این خصوص نرسیده است و این اتکا منجر شده تا با حذف نفت از اقتصاد، کشور دچار شوک عظیم گردد... تنها ۴۰ درصد از ۶۰۰ میلیارد دلار درآمدهای نفتی کشور طی ۲۵ سال گذشته صرف هزینه های مولد شده است.» به این ترتیب در خوش بینانه ترین ارزیابی موجود بیش از ۵۰ درصد درآمدهای هنگفت نفتی خارج از چرخه تولید و فعالیت های مولد قرار گرفته است.

واقعیت این است که قسمت عمده درآمدهای نفتی به واردات بی رویه کالا از کشورهای سرمایه داری پیشرفته اختصاص می یابد و از این رهگذر بخش های انگلی و دلالی سرمایه داری ایران به ثروت و قدرت رسیده اند. در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه سال جاری مدیر امور بین المللی شرکت ملی نفت ایران در یک گفتگوی اختصاصی با خبرگزاری ایسنا، با صراحت اعتراف کرد: «بیشتر درآمدهای نفتی ایران برای تأمین واردات از کشور خارج می شود» وی سپس افزود: «به عقیده من باید مازاد در آمد نفتی کشور بر اساس مازاد تجاری محاسبه شود، زیرا به ازای هر تن کالای وارداتی که بابت آن ارز از کشور خارج می شود مازاد ارزی کشور چندان زیاد نخواهد بود... کسب ۲۰ میلیارد دلار ارز مازاد بر سهم نفت در بودجه سال ۱۳۸۴ کشور اگر چه محتمل به نظر می رسد اما این موضوع بخشی از واقعیت است، واقعیت دیگر اقتصاد کلان کشور این است که از درآمد ارزی نفتی برای تأمین واردات استفاده می شود که قیمت های برخی از اقلام آن مانند پولاد ظرف دو سال تا سه برابر افزایش پیدا کرده است، در حالی که افزایش قیمت نفت به این شدت نبوده است.» از این وضعیت علاوه بر دولت های امپریالیستی و انحصار های فراملی که خریدار و مصرف کننده نفت و گاز هستند، سرمایه داری تجاری ایران نیز بهره مند می شود. میلیارد ها دلار به بخش خصوصی غیر مولد و بازاریان تعلق می گیرد و آنان با وارد کردن کالاهای خارجی علاوه بر اینکه تولید ملی را تخریب می کنند، نقش دلال و واسطه را با انحصارهای فراملی ایفا کرده و با پولی که به جیب خود می زنند، بخش عمده درآمد ارزی را به کشورهای مبدأ یعنی مصرف کننده باز می گردانند. به بیان دقیق تر بخش عمده درآمدهای نفتی ایران با طی یک چرخه دوباره به کشورهای تولید کننده کالاها یعنی همان مصرف کنندگان عمده نفت باز می گردد.

در یکی از آخرین اقدام های مجلس هفتم، مجلس تحت اشغال ارتجاع، قرار بر این شده است که ۱/۵ میلیارد دلار از حساب ذخیره ارزی کشور برای واردات بنزین برداشت شود. مبالغی که به واردات کالا اختصاص می یابد سبب تقویت بخش انگلی و دلال سرمایه داری ایران است و به نحوی چشم گیر به یک مصرف گرایی کاذب، بدون رشد تولید، و با تکیه بر درآمد های نفتی منجر می گردد که لایه ها و طبقات معینی که بخش کوچکی از جامعه را تشکیل می دهند، نقش فزاینده ای در حیات اقتصادی سیاسی کشور کسب کرده و اختناق و استبداد و خودکامگی در لباس ولایت فقیه نتیجه نقش و توان آنها است.

ادامه رد صلاحیت ها ...

جمهوری تأیید کند. عملی که روزنامه کیهان از آن به عنوان حکم حکومتی خبر داد اما مصطفی معین پیش از آن در نامه خود به آیت الله خامنه ای اعلام داشته بود که خواستار استفاده از روش های غیرقانونی برای احقاق حق خود نیست.»

* دکتر محسن کدیور در مورد رد صلاحیت دکتر معین از سوی شورای نگهبان گفت: «این اقدام از سوی شورای نگهبان قابل پیش بینی بود چرا که تجربه مجلس هفتم موید این مساله است و شورای نگهبان با این عملکرد انتخابات را تبدیل به انتصاب کرد. به گونه ای که افرادی که مورد تایید و تضمین مقامات عالی کشور بودند را تایید کرده و کاندیدای اصلاح طلبان را رد صلاحیت کردند که هیچ محلی از اعراب ندارد.» وی ضمن اشاره به این که راه کارهای قانونی کارگشا نیست افزود: «بخشی از اصلاح طلبان درون حاکمیتی تصمیم گرفتند که از حاکمیت خروج کنند اما حاکمیت به این نتیجه رسید که آنها را اخراج کند بنابراین راه کارهای قانونی بسته شده است ما باید به دنبال راه کارهای مسالمت آمیز و به دور از خشونت و به اصطلاح نافرمانی مدنی باشیم.» کدیور با اشاره به این که حاکمیت با رد صلاحیت معین خودش را رد صلاحیت کرد گفت: «شورای نگهبان با توجه به تبعات داخلی و خارجی این تصمیم را گرفته است و من مطمئنم که شورای نگهبان شخصاً این تصمیم را نرفته هر چند که این تصمیم بی خردانه است اما در واقع چراغ سبز برای افرادی است که چشم دیدن ایران دموکراتیک آزاد و مستقل را ندارند و اصلاح طلبان لازم است که تکلیف خود را با مجموعه ای که حضور افرادی مثل دکتر معین معتدل را برنمی تابند روشن کنند. وی ضمن اشاره به همزمانی اعلام تایید صلاحیت ها با دوم خرداد افزود: «به هر حال کینه حاکمیت از ورود اصلاح طلبان کاملاً آشکار است بنابراین این روز را برای اعلام نتایج تایید صلاحیت ها تعیین کرده است.» انتظار اصلی ما از آقای خاتمی آن است که یک اعتراض جدی نسبت به این عملکرد داشته باشد.

رد صلاحیت نامزدهای انتخاباتی توسط شورای ارتجاعی نگهبان و آخرین مواضع نیروهای سیاسی - اجتماعی

اعتماد عمومی را از خود سلب خواهند کرد.»
* در پی انتشار خبر رد صلاحیت نامزدهای انتخاباتی صدها تن از دانشجویان کوی دانشگاه تهران با تجمع اعتراض شدید خود را بر ضد این اعمال ضد مردمی شورای نگهبان اعلام کردند و یا سر دادن شعارهای مرگ بر استبداد و مرگ بر دیکتاتور انزجار خود را از ادامه رژیم استبدادی ولایت فقیه اعلام کردند. در پی بالا گرفتن این اعتراض ها و اخبار در زمینه گسترش این حرکت به سایر دانشگاه های کشور صدا و سیمای ارتجاع فرمان خامنه ای در زمینه تجدید نظر در زمینه رد صلاحیت معین و مهر علیزاده را منتشر کرد.



* دکتر مصطفی معین که بر اساس اطلاعیه ستاد انتخاباتی اش قرار است روز پنجشنبه نظر نهایی خود را درباره شرکت و یا عدم شرکت در انتخابات اعلام کند پیش از انتشار نامه خامنه ای و در پی اعلام رد صلاحیتش با انتشار بیانیه ای خطاب به ملت ایران از جمله گفته بود که: «ایران همواره از استبداد و خودکامگی تاریخی رنج ها و خسارت های فراوان برده است.» معین در همین بیانیه خواستار تشکیل جبهه ای برای دموکراسی، عدالت، استقلال، حقوق بشر و آرمان های آزادیخواهانه مردم ایران شده بود.

* روزنامه «روز» نیز در سرمقاله روز سه شنبه خود در این زمینه از جمله این تحلیل را کرده بود که: «کم تر از یک روز بعد از اعلام خبر تائید شش نفر از نامزدها توسط شورای نگهبان، در حالی که دانشگاه های مختلف کشور به هیجان آمده و شعارهای تند و به آتش کشیدن لاستیک آغاز شده بود و خبرها حکایت از آمادگی دانشجویان دانشگاه ها برای تحرکی سراسری داشت صدا و سیمای جمهوری اسلامی اعلام داشت که پیرو نامه رییس مجلس، رهبر جمهوری اسلامی از شورای نگهبان خواسته در تصمیم خود تجدید نظر و صلاحیت مصطفی معین و مهرعلی زاده را برای نامزدی انتخابات ریاست

در پی اعلام رد صلاحیت بیش از هزار تن از نامزدهای شرکت در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، توسط شورای نگهبان ارتجاع، و در پی آن اوج گیری اعتراض های مردمی و سپس عقب نشینی سریع ولی فقیه و توصیه او به شورای نگهبان، شخصیت ها و نیروهای سیاسی - اجتماعی در این زمینه مواضع گوناگونی اتخاذ کردند که در اینجا به اختصار برخی از آنها اشاره می کنیم.

* عزت الله سبحانی، از فعالان جریان ملی - مذهبی، در خصوص نامه خامنه ای به شورای نگهبان برای تایید صلاحیت مصطفی معین و محسن مهرعلیزاده این نامه را در راستای اختلاف افکنی در میان اصلاح طلبان دانست و گفت: «روال کار شورای نگهبان قانوناً تمام شده است... فرمان رهبری به منزله حکم حکومتی است.» سبحانی افزود: «جریان ملی - مذهبی در خصوص تحریم انتخابات هنوز تصمیم گیری نکرده است و پس از مشورت تصمیم نهایی خود را اعلام می کند.»

* سایت خبری «امروز» همچنین گزارش داد که: «مهدی امینی زاده از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم و وحدت با بیان این که فرمان رهبری به شورای نگهبان حکم حکومتی است تصریح کرد: «از آقای معین هم انتظار می رود بر اساس وعده خود این حکم را نپذیرد.» امینی زاده افزود: «رویکرد آقای معین نه تصاحب قدرت، بلکه اصلاح ساختار قدرت بوده است و یکی از موانع اصلاح پذیری نظام نیز اختیارات بی حد و حصر مقام رهبری است.» امینی زاده تاکید کرد: «زمانی می توانیم این فرمان را عقب نشینی حاکمیت تلقی کنیم که آقای معین برای ورود به انتخابات شروط بگذارند و حاکمیت این شروط را بپذیرند.»

* عیسی سحرخیز روزنامه نگار و عضو انجمن دفاع از آزادی مطبوعات، درخصوص نامه ولی فقیه رژیم گفت: «رفتار شورای نگهبان به قدری غیرمنطقی و ناعادلانه بود که حتی اکثر جریانات راست به آن اعتراض کردند و اینها مجبور بودند که خود را اصلاح کنند، اطلاعات ما حکایت از آن دارد که پنجشنبه گذشته شورای نگهبان ردصلاحیت ها را انجام داده بود. چرا در این مدت کاری نکردند، آیا حتما باید رئیس مجلس نامه می دادند؟ نیروهای طرفدار معین فعال شده بودند و گروه هایی از شهرستان ها درحال آمدن به تهران هستند و نگرانی آنها این بود که این اعتراضات می تواند دامنه دار شود. نوع واکنش هایی که صورت گرفته طرف مقابل را بر تفکر واداشت که در رأی خود تجدیدنظر کند هرچند هنوز نمی دانیم که دو نفر پیشنهادی را تایید صلاحیت می کنند و یا یکی از آن دو را که به احتمال زیاد معین خواهد بود ردصلاحیت می کنند یعنی همان کاری که مجلس هفتم کردند.» سحرخیز افزود: «معین در بیانیه خود اعلام کرده بود که در انتخابات شرکت نخواهد کرد. معین طرف خود مردم دانسته است و نه شورای نگهبان، اگر شورای نگهبان کاری انجام بدهد در راستای اصلاح رفتار غیرمنطقی و غیرعادلانه خود خواهد بود. این نامه هنوز حکم حکومتی نیست و درحد یک پیشنهاد تلقی می شود. اگر هم حکم حکومتی باشد شورای نگهبان به آن اعتقاد دارد ولی ما به آن اعتقادی نداریم. اگر حکم حکومتی در جایگاهی مطرح شود که به اصلاح طلبان مربوط شود، در جایی که در تضاد با منافع ملی باشد اصلاح طلبان آن را اجرا نخواهند کرد. در صورت ردصلاحیت معین تحریم و عدم مشارکت حداقل اقدامات اصلاح طلبان خواهد بود.»

* ابراهیم یزدی، دبیر کل نهضت آزادی ایران، فرمان خامنه ای به شورای نگهبان را حکم حکومتی توصیف کرد و در پاسخ به پرسشی پیرامون پذیرش یا عدم پذیرش این حکم از سوی اصلاح طلبان تصریح کرد: «از آنجا که آقای دکتر معین و حامیان ایشان اعلام کرده اند که حکم حکومتی را نمی پذیرند در صورت پذیرش این مساله

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه مبارزه برای احیای ...

های اخیر، به ویژه در یک سال گذشته، در راه احیای حقوق سندیکایی زحمتکشان نمی توانست از چشم ارتجاع و عوامل خانه کارگر پنهان مانده و اینان نسبت به این سلسله اقدامات واکنش نشان ندهند.

یورش سازمان یافته به جلسه هیات موسس سندیکاهای اتوبوس رانی تهران و حومه و تخریب محل سندیکا و ضرب و شتم سندیکالیست ها و فعالین کارگری فقط بخشی از تدارکات هدفمند واپس گرایان برای مقابله با بازسازی و ایجاد سندیکاهای واقعاً مستقل کارگری است. برنامه ارتجاع جوانب گوناگون و هدف های معینی را در بر می گیرد که متناسب با شرایط سیاسی و اوضاع حاکم بر کشور به مرحله اجرا گذاشته شده و می شود. در این خصوص یادآوری نکاتی چند حائز اهمیت فراوان است. ارتجاع حاکم و عوامل و عناصر آن در پوشش های مختلف و نیز ارگان های تحت هدایت آنها مانند خانه کارگر، شوراهای اسلامی و کانون عالی شوراهای اسلامی به خوبی می دانند، جنبش کارگری سندیکایی پر توان میهن ما پس از سپری ساختن دورانی دشوار، در حال قوام و تکامل است. به بیان دیگر، اگر بتوان برای جنبش کارگری سندیکایی کشور در پیکار دشوار آن در چند سال اخیر به ویژه سال گذشته، یک دستاورد مهم و یا مهمترین دستاورد ها را برشمرد باید با صراحت تاکید کرد، این دستاورد، ژرفش مبارزه و نبرد زحمتکشان برای احیاء حقوق سندیکایی است. نمایش های پی در پی خانه کارگر در سال گذشته و موضع گیری های صریح افرادی چون محبوب و صادقی در مخالفت با تشکیل سندیکاهای مستقل به خودی خود گواه این امر است. به موازات این حقیقت شاهد برنامه ریزی ارتجاع برای مقابله با جنبش سندیکایی و خواست به حق زحمتکشان بودیم. ابتدا محبوب در کنگره سراسری خانه کارگر اعلام داشت، «بحث در خصوص بازگشت به سندیکا با اهداف انقلاب (بخوان رژیم) همخوانی ندارد و یک بحث انحرافی است...»

پس از آن، تمامی امکانات خانه کارگر، حزب اسلامی کار و دیگران و از جمله خیرگزاری کار ایران، ایلنا، به کار افتاد تا سمت و سوی معینی به مساله احیا حقوق سندیکایی داده شود و با توطئه ای از پیش تعیین شده بر چسب های مختلف به سندیکالیست ها و فعالین کارگری زده شود تا از این راه جنبش سندیکایی را عقیم و مهار سازند. به عنوان نمونه، پس از حادثه ورزشگاه ۱۲ هزار نفری مجموعه آزادی که طی آن قرار بود خانه کارگر نامزدی هاشمی رفسنجانی را برای مسند ریاست جمهوری اعلام کند، علیرضا محبوب به هم خوردن مراسم را به کارگران و سندیکالیست ها نسبت داد و گفت: «متأسفانه به دلیل نبود تعامل مورد انتظار این گروه آشوبگر توانست با ایجاد یک جو نا آرام در میان جمعیت حاضر در ورزشگاه پراکنده شد و اعلامیه های

حزب توده (ایران) را بین حاضرین پخش نمایند.» سخنان محبوب دروغ پردازی آشکاری با هدف آغاز یورش به فعالین سندیکایی و مقابله با فعالیت در راه احیا حقوق سندیکایی بود.

به دنبال محبوب، دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران که از زمره حمله کنندگان به جلسه هیات موسس سندیکاهای کارگری شرکت واحد بود و در تخریب و ضرب و شتم حضور فعال داشت، اعلام کرد: «حرکت گروه نا آرام ۳۰۰ نفری در ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی، شمشیری علیه خانه کارگر و خط بطانی بر اهداف سیاسی این تشکیلات بود... نباید اجازه دهیم یک گروه وابسته توده ای، برنامه های خانه کارگر را نقش بر آب کند، خانه کارگر تشکیلاتی نیست که به سادگی به دست آمده باشد، از این رو نباید اجازه دهیم که به راحتی آبروی ما را برده و صداقت ما را زیر سؤال ببرند...» پس از این موضع گیری ها و شانناژ کردن ها، با فشار شوراهای اسلامی کار، اداره کل تشکیلات کارگری و کارفرمایی وزارت کار طی نامه ای که خبرگزاری کار ایران ایلنا آن را به تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه سال جاری منتشر ساخت، فعالیت هیات موسس احیا سندیکاهای شرکت واحد را بر خلاف قانون تشخیص داد. در بخشی از این نامه آمده است: «با استناد به تبصره ۴ ماده ۱۳۱ قانون کار فعالیت هیات موسس احیای سندیکاهای کارگری شرکت واحد تا مادامی که شوراهای اسلامی کار در مناطق شرکت واحد فعالیت دارند، بر خلاف قوانین است.» یک روز پس از انتشار این نامه دبیر اجرایی خانه کارگر شرق تهران به خبرگزاری ایلنا گفت: «به تازگی عده ای از کارکنان شرکت واحد اتوبوس رانی تهران، با گرایش به افرادی که قصد استیفای حقوق کارگران را نداشته و تنها به دنبال اهداف سیاسی هستند، از مسیر صحیح فعالیت های صنفی خارج شده اند... مدعیان سندیکا قصد ایجاد تفرقه در شرکت واحد را دارند... فردی که ادعای رهبری سندیکاها را دارد، سابقه فعالیت های سیاسی و به دنبال آن اخراج از شرکت واحد داشته که پرونده وی در اسناد این شرکت موجود است و تا کنون نیز به دنبال مسموم کردن فضای کار و اشتغال کشور بوده و با طرح شعارهای افراطی علیه مسئولان قصد دارد از تشکیلات کارگری به نفع اهداف سیاسی خود بهره مند شود... ورودیه (حق عضویت) این گروهک برای عضوگیری ۴ هزار تومان و حق عضویت ماهیانه ۲ هزار تومان است... در شرکت واحد فعالیت هر فردی تحت عنوان کلمه سندیکا بر اساس اعلام رسمی و صریح وزارت کار غیر قانونی بوده و بهتر است متخلفان، قبل از بروز هرگونه مشکلی از این گروهک غیر قانونی خارج شوند.»

علاوه بر این مصطفی نوریان، مدیر عامل شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، در جریان گردهمایی کارکنان بسیجی این شرکت، در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه، با دروغ پردازی و تحریک عوامل ارتجاع گفت: «دشمن در مجموعه شرکت واحد رخنه کرده و باید بر ضرورت سازماندهی بسیج شرکت واحد تاکید کرد، بسیج سازمانی به روز است که بسته به مقتضیات زمان به فعالیت های فرهنگی، اطلاعاتی و حراستی می پردازد...»

به دنبال این سلسله اقدامات و تحریکات بود که سرانجام اوباش تحت رهبری صادقی دبیر کانون عالی شوراهای اسلامی کار به نشست هیات موسس احیا سندیکاهای کارگری شرکت واحد یورش بردند. خانه کارگر در اطلاعیه ای که در این زمینه منتشر ساخت و در سایت ایلنا، به تاریخ ۲۱ اردیبهشت ماه درج گردید از جمله نوشت: «به دنبال راه اندازی گروه فشار در ساختمان تصرف شده انجمن صنفی خبازان تهران عوامل منتسب به چپ مارکسیستی و برخی فعالان سندیکاهای سابق شرکت واحد که دارای کد وابستگی به ساواک... و دارای سابقه نمایندگی مجلس شاه هستند... به فکر تجدید حیات سندیکاهای نظام گذشته بوده و در این مسیر با افراد وابسته به جریان ملحد و مخالف نظام اسلامی تلافی منافع پیدا کرده و بزودی از سوی آنان محاط می شوند...» به این ترتیب خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار نشان می دهند، چه اهدافی را در سر می پروراندند و با چه شیوه های ناپسند و زشتی به مقابله با

ادامه مبارزه برای احیای ...

فعالان کارگری پرداخته و محتوی برنامه توطئه آمیز آتی خود را بر ملا می سازند. از سوی دیگر حسن صادقی دبیر کانون شوراهای اسلامی کار کشور در مورد حادثه هجوم وحشیانه به جلسه سندیکالیست ها، با وقاحت یادآور گردید: «چنانچه کارگران درگیر در حادثه روز گذشته (حمله به جلسه هیات موسس) از اعضای شوراهای اسلامی کار بوده باشند، حق آنها بوده و آنها از کین خود دفاع کرده اند.»

پیش تدارک این حمله و یورش سازمان یافته و یا بهتر گفته باشیم جوانب دیگر برنامه هدفمند مقابله با بازسازی و ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری، در صورت شکست برنامه اول یعنی ایجاد مانع و مقابله رسمی و آشکار در برابر فعالان کارگری و جنبش سندیکایی زحمتکشان، منحرف ساختن و تحت نفوذ در آوردن آن است. خبرگزاری ایلنا، در تاریخ ۲۵ اسفند ماه سال گذشته، از قول حمید حاج اسماعیلی رییس هیات مدیره انجمن صنفی بیمارستان خاتم الانبیاء (بیمارستانی که سپاه پاسداران در آن سهم داشته و جالب اینکه بسیاری از زندانیان سیاسی زندان اوین و کمیته مشترک در دوران های مختلف در آن بستری بوده و یا در آن در گذشته اند، نمونه آخر زهرا کاظمی بود.) نوشت: «نا کار آمد شدن شوراهای اسلامی کار به عنوان تنها نهاد فعال در عرصه های کارگری کشور، بیانگر وجود دلایلی است که می بایست با هوشیاری کامل مورد بررسی قرار گیرد... بدون شک نبود استحقاقات و زیر ساخت های مدرن در حوزه کارگری باعث شده تا انرژی بالقوه و کارگشایی کارگران ... به صدایی گرفته و بیمار تبدیل شود... باید اعتراف کرد منشور کارگری کهنه شده و با دنیای جدید و مدرن کنونی که از حالت دو قطبی خارج گردیده همخوانی ندارد، دوران اندیشه های کمونیستی در عرصه جنبش کارگری به پایان رسیده و شعار های وسوسه انگیز گذشته نه تنها خوش آیند نیست، بلکه این قشر زحمت کش را حتی امیدواری نیز نمی بخشد، زمان برای تغییر و تحول در فعالیت تشکیلات کارگری فرا رسیده و نسل جدیدی از فعالان کارگری با صدایی نو و عبرتی از گذشته به میدان آمده اند... و امروز آهنگ عصر تحول و سازندگی (خوب دقت کنید سخن از سازندگی و دوران سازندگی است) سر می دهند...» همین شخص در تاریخ ۲ اردیبهشت ماه باز هم با بزرگ نمایی توسط خبرگزاری ایلنا، اعلام داشت: «کارگران طی چند دهه گذشته به واقع رنج کشیده و از حقوق قانونی و انسانی خود محروم مانده اند... دوران تفکر جنبش های کارگری و شعارهای چپ گرایی در سایه نام کارگر با فروپاشی شوروی به پایان رسید، بنابراین لازم است اندیشه های نو وارد صحنه فعالیت های کارگری شده... خانه ویران کارگران را آباد کند...»

در اواسط اسفند ماه خبرگزاری کار ایران ایلنا در خصوص تغییر قانون کار و با توجه به مساله افزایش حداقل دستمزدها دست به ترفند دیگری زد و با موضع جانبداری و از قول یکی از تئوریسن های حزب اسلامی کار نوشت: «اگر قراری به تغییر قانون کار باشد.. نمایندگان کارگران بپذیرند و اولین شرطشان تغییر ماده ۱۶۷ باشد» (ماده ۱۶۷ قانون کار، ناظر بر تشکل شورای عالی کار است). به علاوه به موازات و در پیوند با این حرکات، باز هم خبرگزاری کار ایران، ایلنا، در تاریخ ۱۱ اسفند ماه سال گذشته، درست در جریان بحث داغ هیات موسسان سندیکاهای کارگری و برای مقابله و مهار فعالیت های آن، شعار جوان گرایی تشکیلات صنفی را طرح و تبلیغ کرد. طرح این شعار برای فریب کارگران و درست برای مقابله با شعار احیا و بازسازی سندیکاهای واقعی کارگری مطرح گردید. همه این اقدام ها صرف نظر از ظاهر و شکل متفاوت، در راستای یک هدف یعنی مقابله با احیا و بازسازی سندیکاهای واقعی حقوق سندیکایی زحمتکشان قرار دارند و باید نسبت به آنها هوشیارانه و دقیق برخورد کرد.

اکنون در وزارت کار طرح اصلاح فصل ششم قانون کار، زیر فشار شدید جنبش سندیکایی زحمتکشان و نیز فشار سازمان بین المللی کار و فدراسیون جهانی سندیکاهای، در دست تهیه است تا نقش و وظایف سندیکاهای از وظایف شوراهای اسلامی کار جدا شود. در این باره ایسنا گزارش داد: «بیانیه ای مشترک بین وزارت کار و سازمان بین المللی کار ILO در خصوص اصلاح فصل ششم قانون کار بین معاون وزیر کار و برنارد ژرنیگان نماینده بخش آزادی انجمن های سازمان بین المللی کار به امضاء رسید.»

ایسنا در ادامه افزوده است: «برنارد ژرنیگان با اشاره به موارد اصلاحیه ی فصل ششم قانون کار گفت از ۷ ماه پیش که کار خودمان را در ایران شروع کردیم، متوجه مواردی شدیم که با مقوله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار (ILO) منطبق نبود. بنابراین در طرح اصلاحیه ای که با مذاکراتی که با وزارت کار و سازمان ها و تشکیلات کارفرمایی و کارگری تهیه شد نقش و وظایف سندیکاهای از وظایف شوراهای اسلامی کار جدا شده و سندیکاهای از حق نمایندگی کارگران به ویژه در انجام مذاکرات جمعی برخوردار شده و پس از تهیه آیین نامه های اجرایی این طرح، به عنوان نمایندگان کارگران به مذاکرات سه جانبه حضور خواهند داشت. شوراهای اسلامی کار نیز به نوبه خود نقش مشارکتی مثل مشاوره در امور رفاه و بهداشت در سطح واحد را به عهده خواهند داشت.»

خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه امسال، نیز در گزارشی یادآور شد: «مدیر کل سازمان بین المللی کار از توافق کارفرمایان و کارگران ایران برای اصلاح فصل ششم قانون کار و تشکیل سندیکا خبر داد. آقای خوان سومایا مدیر کل سازمان بین المللی کار گفت اظهارات نمایندگان دولت، کارفرما و کارگران حاکی از توافق کامل برای الحاق ایران به مقوله نامه های ۸۷ و ۹۷ است.»

مبارزه پیگیرانه و ستایش برانگیز کنونی در راه احیا حقوق سندیکایی دارای پشتوانه قوی در میان زحمتکشان است باید با تکیه بر این پشتوانه پایه های سندیکا های مستقل کارگری را بدون مداخله جناح بندی های حکومتی با توجه به شرایط موجود فراهم آورد. فراموش نکنیم، جنبش سندیکایی کارگران، جنبشی مستقل است و قوانین رشد خاص خود را دارد. هرگونه دخالت دولت ها و ارگان های دولتی با ماهیت مستقل سندیکا مغایر است. حفظ استقلال عمل جنبش سندیکایی اصل کلیدی و راز موفقیت آن محسوب می شود!

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب ...

شده در شورای نگهبان بی اختیار تر از آنند که سر خود و بدون موافقت سران رژیم چنین اقدام تنش برانگیزی را انجام دهند. همان طور که حوادث هفتمین انتخابات مجلس شورای اسلامی و همچنین حوادث مختلف دیگر نشان داده است مرتجعان حاکم همواره با توجه به عکس العمل مردم، نسبت به اقدام هایشان، یا گام های سرکوبگرانه شان را تشدید می کنند و یا در صورت اجبار عقب نشینی می نمایند. بی شک امروز هم اگر در مقابل اقدام های ضد مردمی و ضد دموکراتیک شورای نگهبان، به عنوان نماینده رژیم ولایت فقیه، سکوت اختیار شود این سکوت به مفهوم چراغ سبزی برای حرکات شدید تر بعدی تلقی خواهد شد.

باید با بسیج وسیع نیروهای اجتماعی و برگزاری جلسات، راه پیمایی ها و همایش های اعتراضی رد صلاحیت شورای نگهبان ارتجاع را به رژیم ولایت فقیه تحمیل کرد. شورای نگهبان برگمارده شده از سوی ولی فقیه رژیم در سال های اخیر به کرات دشمنی آشکار خود را با روند اصلاحات و خواست اکثریت قاطع مردم میهن ما اعلام کرده است و بنابراین فاقد هرگونه صلاحیتی در زمینه تعیین صلاح کشور و مردم میهن ماست. لغو کامل رد صلاحیت های سیاسی انجام شده از جمله رد صلاحیت کسانی همچون دکتر یزدی و خانم اعظم طالقانی در کنار دکتر معین و دیگران، و همچنین الغای کامل نظارت شورای مرتجعان بر روند انتخابات خواست قاطع تمامی نیروهای آزادی خواه و دموکراتیک کشور است.

ما همچنان که قبلاً هم اشاره کرده ایم مسأله چنین انتخاباتی را تنها بخشی از برنامه های ارتجاع برای پیاده کردن برنامه تثبیت رژیم ارزیابی می کنیم. به صحنه آمدن هاشمی رفسنجانی، در کنار تبلیغات وسیع انجام شده در رسانه ها و معرفی و دفاع از او به عنوان کسی که گویا می تواند گام های اساسی بی در حل مسایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بردارد همگی حاکی از برنامه حساب شده بی است که هدفش کاهش فشار و سپس سرکوب کامل روند اصلاحات و تحکیم پایه های رژیم برای آینده بی دراز مدت است.

حزب ما همان طوری که در اسناد نشست اخیر کمیته مرکزی اشاره شده است معتقد است که تحقق چنین روندی و یکدست شدن حاکمیت بی شک به ضرر جنبش مردمی و خواست های آن در زمینه استقرار آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه است. باید با تمام توان با تحقق چنین روندی مبارزه کرد. با وجود همه دشواری هایی که جنبش مردمی با آن روبه رو بوده و هست، با وجود همه دلسردی های ایجاد شده، به دلیل هشت سال مماشات و

زیر پا گذاشته شدن قول های داده شده و تمکین کردن ها به ارتجاع و خواست های آن، امروز هنوز نیروهای اجتماعی وسیعی در صحنه مبارزه حضور دارند و اتخاذ شعار ها و سیاست های درست مبارزاتی می تواند از این کمیت کیفیتی منسجم و تعیین کننده در روند تحولات کشور پدید آورد. نیروهای ترقی خواه و همه کسانی که نسبت به آینده و سرنوشت کشور نگران هستند نمی توانند تنها نظارگر امور باشند و از شرکت در این مبارزه جدی و مهم طفره روند.

حزب توده ایران همه نیروهای سیاسی و اجتماعی کشور را به مبارزه مشترک فرا می خواند. بیاید با گسترش مبارزه متحد و منسجم اجتماعی تلاش های رژیم بی صلاحیت ولایت فقیه را برای برگزاری یک انتخابات فرمایشی و سپس سرکوب کامل جنبش اصلاح طلبی با شکست روبه رو کنیم!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲ خرداد ماه ۱۳۸۴

ادامه سمینار بین المللی ...

صادر نمایند. در اولین روز اجلاس، نماینده حزب توده ایران پیرامون ویژگی های اصلی سرمایه داری جهانی، اوضاع جهان در سالی که گذشت، سیاست امپریالیسم جهانی در پیشبرد «انقلاب های مخملین» و «طرح خاورمیانه بزرگ» و هدف و ماهیت تهدید های نظامی ایالات متحده آمریکا بر ضد ایران و مواضع حزب به سخنرانی پرداخت که مورد استقبال نمایندگان قرار گرفت. نماینده حزب در بخشی از سخنان خود پس از تشریح سیاست آمریکا در منطقه به این نکته اشاره کرد که: «مجموعه سیاست های پیش برده شده توسط آمریکا در این منطقه از جمله «طرح خاورمیانه بزرگ»، ایجاد «انقلاب های مخملین»، اشغال عراق و افغانستان، استقرار و گسترش پایگاه های نظامی و.. را باید در چارچوب منافع استراتژیک و دراز مدت آمریکا ارزیابی کرد و بخش های مختلف سناریوی واحدی است که سیاست گذاران آمریکا آن را برنامه تبدیل قرن بیست و یکم به «قرن جدید آمریکایی» نامیده اند.

نشست بروکسل قطعنامه بی در حمایت از مبارزات مردم کوبا و رفع محاصره اقتصادی کوبا صادر کرد. در بخشی از این قطعنامه آمده است: «هنوز انقلاب کوبا در محاصره امپراتوری آمریکا قرار دارد. برای آمریکا قابل

قبول نیست که یک کشور کوچک سوسیالیستی در حالی که زیر تحریم اقتصادی مهلک، سازمان دهی عملیات تروریستی در خاکش، و زیر فشارهای دیگر قرار دارد، بتواند تصویری از جهانی بهتر را به نمایش بگذارد. امروزه کوبا و انقلاب آن با خطر بزرگی مواجه است و همه انقلابیون و کمونیست ها باید این خطر را جدی تلقی نمایند».

در همین رابطه برگزار کنندگان سمینار مراسمی را در همبستگی با مردم کوبا و جمهوری دموکراتیک خلق کره سازمان دادند که در جریان آن نمایندگان پشتیبانی خود را از مبارزات مردم این دو کشور، در دفاع از دستاورد های اجتماعی شان، ابراز داشتند.

در طی اجلاس هیئت نمایندگی حزب مان دیدارهای سودمندی با نمایندگان احزاب کمونیست- کارگری از جمله سوریه، تاجیکستان، جمهوری دموکراتیک خلق کره، ترکیه و فلسطین داشت و با آنان در باره مهمترین مسایل منطقه ای به گفتگو و تبادل نظر پرداخت.

چهاردهمین سمینار بین المللی کمونیست ها پس از سه روز بحث و گفتگو و تبادل نظر نمایندگان در فضایی آکنده از رفاقت و صمیمیت با انتشار طرح قطعنامه ای به کار خود پایان بخشید و نمایندگان با یکدیگر تا دیدار مجدد وداع کردند.

ادامه تجارت جهانی ناعادلانه ...

پنبه یارانه گرفته تولید کنندگان اروپایی رقابت کنند که برای بازارهای داخلی خود اروپا تولید شده است.

برخلاف آمریکا و اتحادیه اروپا، کشورهای فقرزده آفریقایی توانایی مالی استخدام وکیل و مشاوران گران قیمت و شکایت به دادگاه های حل اختلاف سازمان تجارت جهانی را ندارند. دادگاه هایی که مدت زیادی به درازا می کشند و به مشاوران حقوقی ویژه یی نیاز دارند که بتوانند با جزئیات تکنیکی پیچیده یی که آمریکا و اتحادیه اروپا برای مبهم و لوس کردن موضوع پیش می کشند، با مهارت برخورد کنند. با وجود همه اینها، اکنون نشانه هایی از یک مقابله و واکنش دیده می شود. برای مثال، دولت برزیل زیر رهبری مترقی رئیس جمهوری این کشور لولا دا سیلوا اکنون پیشگام کشورهای در حال رشد برای به چالش کشیدن برتری آمریکا و اتحادیه اروپا شده است. در مورد پنبه، برزیل آمریکا را به دادگاه حل اختلاف تجاری کشانده است، با این استدلال که برنامه پرداخت یارانه های گزاف به پنبه کاران آمریکایی به طور مسلم یک مسئله تجاری است (نه داخلی آمریکا) و برای هر فرد عادی هم کاملاً روشن است که این یارانه ها چیزی نیستند جز یارانه های صادرات. برزیل در دادگاه برنده شد. آمریکا فرجام خواهی کرد و برزیل آنجا هم برنده شد. اما حالا پیش از آن که آمریکا وادار به اجرای حکم دادگاه شود، راهکارهای دیگری وجود دارند که باید دنبال شوند، که تا آن موقع بی شک آمریکا راه درروی دیگری پیدا می کند و جریان کار دادگاه حل اختلاف سازمان تجارت جهانی را در مسیر طولانی و پر پیچ و خم دیگری می اندازد.

این گونه است که آمریکا و اتحادیه اروپا می توانند برنامه خود را به پیش ببرند: یعنی با استخدام کارشناسان حقوقی و مشاوران دیگری که به دنبال یافتن ضعف های موجود در سیستم هستند تا خود را از دست همان ضابطه هایی که به دیگران تحمیل می کنند، برهاند. اما با شروع عرض اندام کردن و حق خواهی برزیل و دیگر کشورهای در حال رشد، برای بقیه دنیا هم امیدهایی پیدا شده است، اگرچه باید گفت که منافع کشورهای در حال رشد ثروتمندتر و بزرگتر الزاماً منطبق بر منافع کشورهای فقیرتر و کوچک تر نیست.

نشانه مثبت دیگری که دیده می شود این است که در شرایطی که آمریکا و اروپا اکنون دیگر مثل گذشته به راحتی نمی توانند کار خود را به پیش ببرند. کشورهای در حال رشد حالا در دسته بندی هایی وارد می شوند که به آنها در پیشبرد مصالح شان کمک می کنند. در همین حال، باید تأکید کرد که همه اینها هنوز صرفاً در چارچوب برنامه ها و دستور کارهای آمریکا، اروپا و سازمان تجارت جهانی برای تجارت آزاد قرار دارند و هر تلاشی که اکنون کشورهای در حال رشد می کنند، فقط برای این است که در نهایت ضابطه های تجارت جهانی به طور برابر در مورد آمریکا و اروپا هم اجرا شود.

در کنار اینها باید توجه کرد که پایین بودن قیمت های کالاهای استراتژیک در بازار های دنیا، به علت تولید بیش از حد نه تنها در آمریکا و اروپا، بلکه در سراسر دنیاست. این امر به خوبی روشن خواهد بود اگر به این واقعیت توجه کنیم که قیمت های کالاهای استراتژیکی که در آمریکا و اروپا تولید نمی شوند، مثل قهوه و کاکائو، طی سال های متمادی به همان اندازه پنبه افت داشته اند و آنها هم در حال حاضر در پایین ترین سطحی قرار دارند که تا کنون سابقه نداشته است. آنچه اکنون ضرورتش احساس می شود، تدوین یک برنامه و دستور کار کاملاً تازه برای امر تجارت جهانی با ضابطه هایی جدید است که مروج و مبلغ تجارت عادلانه حقیقی باشند و همه کشورهای بتوانند به طور یکسان از آن بهره مند شوند.

سمینار بین المللی کمونیست ها در بروکسل

چهاردهمین سمینار بین الملل احزاب چپ- کارگری در بین روزهای ۱۲ تا ۱۴ اردیبهشت ماه در بروکسل، پایتخت بلژیک، برگزار شد. این سمینار هر ساله مقارن با جشن اول ماه مه، توسط حزب کار بلژیک و با شرکت احزاب کمونیستی و کارگری از کشورهای مختلف برگزار می شود. در نشست امسال، بیش از ۶۴ حزب و سازمان کمونیست- کارگری از ۴۴ کشور مختلف شرکت داشتند. ۵۶ سازمان و حزب دیگر نیز با ارسال پیام های همبستگی حمایت خود را از این کنفرانس اعلام کردند. وهم چنین برای اولین بار ده ها نماینده از جریان های سیاسی و اجتماعی به عنوان ناظر بر روند بحث ها و گفتگوها مشارکت داشتند. محور اصلی نشست امسال «تجربه کمونیست ها و وظایف آنان در مبارزه بر ضد امپریالیسم» بود که دو بخش را در بر می گرفت:

الف- تجربه بین المللی کمونیست ها و درک آنان از شرایط کنونی مبارزه

ب- تجربه های کارمشرک احزاب کمونیستی و کارگری و وظایف بین المللی آنان در شرایط کنونی
با توجه به شرایط حساس و نگران کننده اوضاع جهانی و تهاجم همه جانبه امپریالیسم بر ضد دستاوردهای انسانی و گسترش نظامی گری و سیاست های جنگ افروزان کشورهای سرمایه داری پیشرفته، اجلاس امسال از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. حضور احزاب پر قدرت و با نفوذ کمونیست از جمله از کوبا، جمهوری چک، برزیل، روسیه و جمهوری دموکراتیک خلق کرده اعتبار ویژه یی به این سمینار بخشیده بود.

امسال شش حزب کمونیستی از کشورهای مختلف از جمله حزب کمونیست تاجیکستان و حزب کمونیست سوریه برای اولین بار در این اجلاس شرکت می کردند. حزب توده ایران به دعوت رسمی رهبری حزب کار بلژیک در این اجلاس شرکت کرد. اجلاس با سخنان رفیق مارتنز، رهبر حزب کار بلژیک، گشایش یافت. رفیق مارتنز، ضمن خوش آمد گویی به نمایندگان، در بخشی از سخنان خود به این نکته اشاره کرد که حزب کار بلژیک در طی سال های گذشته تلاش کرده است که با وجود اختلاف نظری در میان احزاب کمونیست و کارگری بر سر شیوه مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داری، این نیروها بتوانند به حداقل های مشترک عملی و نظری دست یابند و بدین طریق سنگ پایه تشکیل کمیتن بین المللی را بنا نهند.

این ساختار به باور حزب کار بلژیک سازمانی رهبری کننده و متشکل از همکاری همه احزاب و جریان های کمونیستی است که کارسازماندهی توده های زحمتکش را برضد تهاجم همه جانبه سرمایه داری جهانی به عهده خواهد گرفت. رفیق مارتنز پیشنهاد کرد که برای پیشبرد این امر هر شش ماه یک بار نشریه مشترکی، برای تبادل نظر و تشریح مسایل جهانی از سوی احزاب و سازمان های کمونیستی و کارگری انتشار یابد و روندی پیش رود که این نیروها بتوانند با تقویت روابط و همبستگی بین خود در باره این و یا آن معضل جهانی با یکدیگر مواضع متحد اتخاذ و بیانیه مشترک

تجارت جهانی ناعادلانه و نابودی اقتصاد و صنعت کشورهای فقیر

اروپا و آمریکا بی دغدغه خاطر از پیامدهای حقوقی، با پرداخت یارانه های کشاورزی هنگفتی، فقیرترین کشورهای دنیا را مجبور به تن در دادن به سیاست های نولیبرالی می کند.

بهای پنبه به تدریج به یک دلار و بیست سنت افزایش یافته است که احتمالاً ناشی از افزایش بهای نفت بوده که سبب افزایش هزینه تولید الیاف مصنوعی است. اما، برای این که از موضوع تصویر روشن تری به دست دهیم، باید بگوییم که اگر بخواهیم قیمت ها را با ارزش پول امروز بسنجیم، بهای پنبه در سال های دهه هفتاد به طور میانگین برابر با ۴/۵ دلار در کیلو می شود. از همین مقایسه می توان پی برد که تولید کنندگان پنبه آفریقایی چقدر ضرر کرده اند.

اگرچه هزینه یارانه ها در آمریکا به نسبت تولید ناخالص ملی آن کشور مقداری ناچیز است، اما سقوط قیمت ها برای کشورهای آفریقایی فاجعه بار بوده است، چرا که اقتصاد و درآمد این کشورها به شدت وابسته به صادرات پنبه آنهاست. همین مسأله، و در کنار آن کاهش بهای دیگر فراورده های صادراتی این کشورها، عامل اصلی بدهکاری آنهاست. برای این که نمک به زخم این کشورها پاشیده شود، به بهانه بخشودگی بدهی، این کشورها را مجبور می کنند که به برنامه های «تجارت آزاد» سازمان تجارت جهانی گردن بگذارند و هرگونه کنترل بر واردات را نیز متوقف کنند. این بدان معناست که وارد کردن کالاها زیر قیمت بازار از آمریکا، پنبه کاران آفریقایی را از دور رقابت در بازار فروش بیرون می راند مگر آن که آنها از دولت هایشان یارانه دریافت بکنند، که این در عمل خارج از توانایی مالی این دولت هاست. به علاوه، این موضوع سبب می شود که صنایع نساجی داخلی به پنبه ارزان قیمت موجود در بازار جهانی روی بیاورد، که پیامد آن چیزی نیست جز این که کشور تولید کننده پنبه حتی نمی تواند مواد خام خودش را هم مصرف کند. برای مثال، در تانزانیا، صنعت پنبه این کشور در دوران شکوفایی اش بزرگترین استخدام کننده نیروی کار بود، به طوری که نزدیک به ۳۵ هزار نفر در چهارده کارخانه نساجی و نخریسی کار می کردند. اما در نتیجه آزادسازی تجارت که بر این کشور تحمیل شد، بیشتر آن کارخانه ها تعطیل شدند و اکنون سهم صنعت پنبه در اقتصاد ملی آن کشور بسیار ناچیز است. افزون بر این، کشاورزان این کشورهای تولید کننده پنبه یا با این واقعیت رو به رو هستند که بازارهای صادرات همیشگی و سنتی آنها اکنون از پنبه ارزان «یارانه ای» آمریکا اشباع شده است، یا این که در آن بازار باید با

فاجعه تجارت آزاد به شیوه آمریکا - اتحادیه اروپا، در یک گزارش مطالعاتی در باره تجارت بین المللی پنبه، که به تازگی از سوی انستیتوی مذاکرات، اطلاعات و تجارت آفریقای شرقی و جنوبی منتشر شد، دیده می شود. یکی از عواملی که منجر به آشفتنگی و برهم ریختن کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی در کنکون در شهریور ماه ۱۳۸۲ (سپتامبر ۲۰۰۳) شد همین موضوع بود.

یارانه (سوسید) های کلان به نفع پنبه کاران آمریکا و اروپا، صنعت پنبه را در برخی از فقیرترین کشورهای دنیا به نابودی کشانده اند. دولت آمریکا سالانه نزدیک به ۴ میلیارد دلار خرج یارانه و کمک های دیگر برای ۲۵۰۰۰ پنبه کار این کشور می کند. این سیاست موجب تشویق به مازاد تولیدی می شود که بازارهای جهانی را اشباع می کرده است. بین سال های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۱، تولید پنبه آمریکا ۴۲ درصد افزایش یافت. این کشور در حال حاضر ۴۰ درصد صادرات پنبه دنیا را در اختیار خود دارد. برای پنبه کاران آمریکایی حداقل قیمت خرید کیلویی ۱/۱۴ دلار، صرف نظر از وضعیت نرخ های جهانی تضمین شده است. به علاوه این که به آنها اضافه پرداخت هایی تعلق می گیرد تا در آمدشان به یک مرز از پیش تعیین شده رسانده شود. به همین ترتیب، پنبه کاران اسپانیایی هم از یارانه ای برابر با ۱/۶۷ دلار در هر کیلو پنبه برخوردارند. اما از سوی دیگر، دولت های آفریقایی یا اصلاً توانایی مالی پرداخت یارانه را ندارند یا فقط در حدی خیلی محدود می توانند به کشاورزان کمک کنند. برای مثال، در ساحل عاج، پنبه کاران فقط هفت سنت در هر کیلو پنبه یارانه دریافت می کنند. در زیمبابوه، یارانه وجود خارجی ندارد و پنبه کاران هر کیلو پنبه را در مجموع فقط ۱۶ سنت می فروشند، یعنی کمتر از یک دهم آنچه در آمریکا و اتحادیه اروپا فقط به عنوان یارانه به پنبه کاران پرداخت می شود.

آمریکا تلاش دارد این طور وانمود و استدلال کند که مسأله این کمک های کشاورزی یک امر داخلی است، و از آنجا که بهای پنبه در بازارهای داخلی اش کمابیش برابر با قیمت های صادراتی است، صادرات پنبه اش «دامپینگ» (صدور کالا به کشورهای دیگر و فروش آن به بهایی کمتر از قیمت داخلی به منظور نابودی صنایع داخلی کشور وارد کننده) محسوب نمی شود. اتحادیه اروپا پنبه صادر نمی کند، ولی در مورد فراورده هایی که مازاد تولید دارد، مثل شکر، همین رویه را دنبال می کند و مازادش را در بازار جهانی به بهایی ارزان عرضه می کند. اما تأثیر این کمک های کشاورزی مثل یارانه های صادراتی است، که در ظاهر و مطابق مقررات سازمان تجارت جهانی غیر قانونی اند. برآورد می شود که یارانه های آمریکا برای پنبه کارانش بهای پنبه را در بازارهای جهانی دست کم ۲۵ درصد پایین می آورد. در واقع، در سال ۲۰۰۲ در پی افزایش شدید صادرات پنبه آمریکا، بهای پنبه در بازار جهانی به پایین ترین حدی که تا آن زمان سابقه نداشت، یعنی به ۹۰ سنت در کیلو کاهش یافت. از آن زمان تا کنون،

ادامه در صفحه ۷

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 713
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

24 May 2005

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک